



آرمان- هستی قاسمی: جابه‌جایی معصومه ابتکار و شهیندخت مولوردی دو بانوی کابینه یازدهم در دولت دوازدهم از دستگاهی به دستگاه دیگر تا حدود بسیاری برای جامعه زنان غافلگیرکننده بود، اما تغییرات کابینه در دور دوم را به‌ویژه در مورد زنان، با توجه به مشکلات دولت باید پذیرفت و این مهم نباید بدین مفهوم باشد که زنان به هر آنچه امروز دارند باید اکتفا کنند و نسبت به آن قانع باشند، بلکه زنان به ویژه بانوان کابینه و مجلس باید همواره برای نه تنها ارتقای خود و کسب کرسی‌های وزارت بلکه جهت توسعه ایران، فرزندان خود و نسل‌های آینده بکوشند و طی چهار سال آتی تا پایان عمر دولت دوازدهم زمینه را برای به کار گرفته شدن بانوان در دولت آتی فراهم کنند. در این راستا فاطمه دانشور، عضو شورای شهر چهارم، فعال اقتصادی و کنشگر مسائل زنان، با «آرمان» گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آیا جابه‌جایی زنان از دستگاهی به دستگاه دیگر در دولت کافی است؟ اساساً این اقدام رئیس‌جمهور با توجه به تجربه، تخصص و موفقیت ابتکار و مولوردی در جایگاه محیط‌زیست و معاونت امور زنان و خانواده، مطلوب و لازم بود؟

در مواجهه با این موضوع دو نگاه وجود دارد. یک نگاه، نگاه عمومی و بیرونی جامعه نسبت به ابتکار و مولوردی است که در این مورد نگاه مثبتی نیست و هر دو تنزل جایگاه پیدا کرده‌اند. سازمان محیط‌زیست ساختار بسیار وسیع‌تری نسبت به معاونت خانواده دارد. از سویی ابتکار با توجه به اینکه سال‌هاست در جایگاه‌های مرتبط با محیط‌زیست مثل سازمان محیط‌زیست خدمت می‌کند، تجربه بسیار زیادی در این حوزه دارد، به همین دلیل انتقال او از سازمان محیط‌زیست به معاونت خانواده اقدامی غیر ضروری بود. اگرچه معاونت امور زنان و خانواده نام بزرگی دارد اما در تشکیلات و ساختار اختیارات چندانی ندارد. این معاونت چندان دارای اختیارات نبوده و تشکیلات قدرتمند و بودجه کافی ندارد. این سازمان بیشتر نقش رایزنی، تشریفاتی و دفاع از حقوق زنان و خانواده را دارد و اینکه سایر دستگاه‌ها را مجاب کند تا در رابطه با زنان اقداماتی انجام دهند یا ندهند اما خود نیز به تنهایی صاحب دستگاه و تشکیلات نیست. از سویی

تغییر جایگاه مولاوردی از معاونت امور زنان و خانواده به عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی نیز ضرورت نداشت، زیرا مولاوردی طی چهار سال اخیر مسائل زنان را شفاف و با جسارت بیان کرده و بر حسب انتظار مورد پیگیری قرار داده بود و تعامل خوبی با اقشار مختلف زنان فعال داشته است. بنابراین بهتر آن بود که مولاوردی در سمت قبلی خود ابقا می‌شد تا بذره‌های کاشته شده خود را در چهار سال دوم دولت به بهره‌برداری می‌رساند. البته حضور لیلا جنیدی به عنوان چهره جدید در سطح معاونت را باید تا حدی غنیمت دانست. نگاه دوم اینکه با عنایت به تدبیر و درایت رئیس‌جمهور این تغییر و جابه‌جایی با هدف ارتقای جایگاه معاونت زنان و جایگاه حقوق شهروندی بوده تا با اتکا به توان اجرایی این دو نفر، این دو جایگاه ارتقا یافته و به‌ویژه بخش معاونت زنان، سمت و سوی اجرایی شدن بگیرد. در عدم به‌کارگیری زنان در وزارت نیز به نظر می‌رسد دلیل اصلی روحانی تجربه ناکافی زنان در سطوح مدیریت کلان بوده است.

آیا باید پذیرفت که عدم استفاده از زنان در وزارت به دلیل عدم تجربه کافی آنها بوده است؟

پیش از این هیچ‌گاه به زنان در سطوح مدیریت کلان و یا حتی در سطح معاون وزیر جز در یک دوره کوتاه در دولت احمدی‌نژاد، فرصت حضور داده نشده تا زنان بخواهند مراحل ترقی و ارتقا را به صورت پلکانی طی کنند و چون در کشور تعداد بانوانی که این مسیر را طی کرده باشند بسیار اندک است برای روحانی دشوار بود که یک زن را به عنوان وزیر به مجلس معرفی کند بدون اینکه از تجربه کافی مدیریتی در عرصه کلان برخوردار باشد. اما در مورد مردان به‌گونه‌ای دیگر عمل کرد، مثلاً قاضی‌زاده هاشمی نیز به عنوان یک مدیر موفق بخش خصوصی مطرح بوده و سال‌ها در این عرصه موفق عمل کرده اما تجربه کار سیاسی نداشته است و در نهایت دیدیم که او به‌رغم نداشتن تجربه سیاسی و تشکیلاتی کلان، وزیر موفقی بوده و نمره خوبی نیز گرفته است. برای استفاده از وزیر زن نباید عجله کرد و با سیاستی که در حال حاضر رئیس‌جمهور پیش گرفته و از زنان در مناصب معاونت وزرا و مدیران کل قرار است استفاده شود، می‌توان انتظار داشت در سال‌های آینده زنانی با تجربه کافی در حد وزارت تربیت شوند.

آیا عدم حضور زنان در کابینه به مسائل بیرون از دولت مربوط نبود؟ مثلاً توصیه‌ها و مشورت‌هایی که به رئیس‌جمهور داده می‌شد؟

نمی‌توان پذیرفت که رئیس‌جمهور تنها به دلیل عدم تجربه کافی زنان، دست به انتخاب وزیر زن نزد، حتی اگر مقصود روحانی اشاره تلویحی به فشارهای اصولگرایان باشد، باز هم قابل قبول نیست، زیرا خود اصولگرایان در دوره احمدی‌نژاد یک وزیر زن را برای وزارت بهداشت و درمان تجربه کرده بودند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که روحانی بیشتر مصلحت‌اندیشی کرده است و مسیر رشد و پیشرفت پلکانی را برای زنان خواسته هموار کند.

جای خالی زنان در کابینه موجی از ناامیدی و انتقاد را نسبت به رئیس‌جمهور در پی داشت. رئیس‌جمهور چگونه می‌تواند این مساله را جبران کند؟

اگر آقای روحانی به هر دلیلی نتوانست وزیر زن در کابینه داشته باشد، امروز باید این مساله را در سطح معاونت وزرا جبران کند تا زمینه‌ای برای استفاده از ظرفیت زنان در دوره‌های آتی در سطح وزارت فراهم شود. ضمن اینکه این انتقاد به جامعه زنان وارد است زیرا زنانی که نقش لابی‌گری با دولت را در ارتقای جایگاه‌های مدیریتی زنان ایفا می‌کردند، تعداد معدودی هستند و تنها برای افراد معینی لابی می‌کنند، آن هم به صورت کاملاً رانتی و این بزرگ‌ترین ضعف جامعه زنان است. این تعداد محدود در رابزنی‌های خود با دولت تنها خود را در نظر می‌گیرند و برای افزایش جایگاه خود تلاش می‌کنند. در حالی که باید زنان فعال حوزه‌های دیگر نیز مورد شناسایی قرار بگیرند. فعالان سیاسی، بانوان کارآفرین و توانمند اقتصادی و اجتماعی و بانوانی با مدارج بالای علمی و در عین موفقیت خارج از این گردونه هستند اما در عمل می‌بینم لابی‌کنندگان حامی ارتقای جایگاه زنان، خودشان به پست می‌رسند و معرفی شوند، یعنی دایره‌ای محدود از زنان شاید 10 نفر که به هم پست تعارف می‌کنند و غیر از خود کسی را نمی‌بینند و در ضمن

کسی را هم درون خود راه نمی‌دهند.

بنابراین معتقدید که در انتخابات شورای شهر پنجم نسبت به شما جفا شد؟

من از لفظ جفا در مورد خودم استفاده نمی‌کنم. من یک چهره غیر سیاسی و غیر حزبی بودم که تنها به خاطر فعالیت‌های اجتماعی در حوزه آسیب‌ها، فعالیت‌های گسترده و اثرگذاری داشته‌ام و به دلیل همین رویکرد به درخواست برخی بزرگان اصلاح‌طلب در لیست شورای شهر قرار گرفتم. عملکرد اصلاحی و بنیادی من در حوزه آسیب‌های اجتماعی در شورای چهارم شهر تهران بر کسی پوشیده نیست و امروز همگان فاطمه دانشور را به عنوان یک کارآفرین و فعال حوزه اجتماعی می‌شناسند اما برای تعیین لیست شورای پنجم، شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان بیشتر با نگاه سیاسی، افراد وابسته به تشکلهای احزاب سیاسی را فارغ از تخصص و عملکرد در حوزه‌های شهری برای حضور در لیست شورای شهر انتخاب کرد، اینکه در شورای سیاستگذاری مطرح شده من اصلاح‌طلب نیستم، باید پرسید کدام رویه من اصلاح‌طلبی نبوده است. من که همواره برای تغییر و رفع مشکلات تلاش کرده‌ام. اینکه راجع به آسیب‌های اجتماعی بسیار شفاف و بلند صحبت کرده‌ام و بسیاری از حساسیت‌های به وجود آمده در این حوزه در کشور از ارائه همین گزارش‌ها بوده، رویه اصلاح‌طلبی نبوده است یا ساختارشکنی و تابوشکنی‌هایی که انجام دادم رویه اصلاح‌طلبی نبوده است؟

اعتقادات بر این است که زنان در ایران به بلوغ سیاسی نرسیدند و این سد راه آنها برای رشد و پیشرفت است؟

عدم بلوغ سیاسی را نباید تنها و محدود به جامعه زنان دانست و متأسفانه زیاد دیده می‌شود در سطوح سیاسی کشور مردانی که سال‌ها در عرصه‌های کلان سیاسی فعالیت داشته‌اند رفتارهایی خارج از چارچوب و ضوابط حزبی و سیاسی از خود نشان داده‌اند. جامعه‌ای به بلوغ سیاسی می‌رسد که در آن احزاب و تشکلهای سیاسی به معنای واقعی کار تشکیلاتی و حزبی انجام دهند ولی متأسفانه در کشور ما احزاب تنها کارکرد انتخاباتی دارند و تنها دو ماه قبل و بعد از انتخابات فعال می‌شوند و دیگر اثری از آنها در جامعه نیست.

موضوعات و آسیب‌های مختلفی گریبان جامعه زنان و کودکان را گرفته است. در این دوره چه مسائلی باید مورد پیگیری بانوان در دولت و مجلس قرار بگیرد؟

عمده‌ترین رسالت بانوان این است که آسیب‌های زنان و کودکان را مورد توجه قرار دهند، زیرا موضوعات زنان و کودکان در جامعه ایران بسیار مغفول مانده است؛ با اینکه طی سال‌های اخیر حتی در مجلس دهم زنان بسیاری موفق به ورود به مجلس شدند اما طی این مدت طولانی موضوعاتی مانند لایحه حمایت از کودک که در سال 84 تقدیم مجلس شده بود هنوز به یک مصوبه تبدیل نشده است. بنابراین بانوان باید تلاش کنند که لایحه‌هایی مثل حمایت از کودکان را به مصوبه تبدیل کنند و درباره حقوق زنان طرح ارائه دهند. حتی در صورت لزوم کفش آهنین به پا کنند تا موانع پیش روی این چالش‌ها را بردارند و با عبور از این موانع لایحه‌ها و طرح‌هایی را در مجلس تصویب کنند که در حوزه کودکان و زنان سال‌هاست که خاک می‌خورد و از معضلات مهم این جامعه محسوب می‌شود. به ویژه طی روزهای اخیر شاهد وقوع حوادثی تلخ برای کودکان بودیم اما در جهت حمایت از حقوق کودکان و کاهش آسیب‌ها هیچ اقدام چشمگیر و شاخصی از سوی بانوان مجلس مشاهده نشد. در حالی که فراکسیون امید، زنان بسیاری را به مجلس فرستاد، بنابراین فراکسیون زنان در مجلس دهم باید درباره عملکرد خود نسبت به زنان و کودکان گزارشی ارائه دهند، زیرا کارنامه قابل قبول این افراد در مجلس زمینه را برای به کار گرفته شدن وزیر زن در دولت‌های بعدی مهیا خواهد کرد و به طور کل بهانه‌ای برای عدم استفاده از زنان در سطح وزارت وجود نخواهد داشت. از زنان انتظار می‌رود بعد از ورود به مجلس در کمیسیون‌هایی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی و قضائی حضور پررنگ‌تر داشته باشند ولی زنان قانونگذار حضور در دیگر کمیسیون‌ها را ترجیح دادند که نسبتی با زنان و کودکان ندارد.

به هر روحانی نتوانست انتظارات زنان را محقق کند. آیا با این همه، لازم است که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه از او در دولت دوازدهم حمایت کنند؟

قبل از هر چیز باید بگویم به شخصه به عنوان یک کارآفرین که تا حدودی با عنایت خداوند مورد مقبولیت جامعه قرار دارم بدون هماهنگی با ستاد روحانی در مجامع مختلف حضور پیدا کرده و در حمایت از روحانی سخنرانی کرده‌ام. از سویی حلقه معدودی از زنان که در ستاد رسانه‌ای رئیس‌جمهور حضور داشتند مساله حمایت از روحانی را در بوق و کرنا می‌کردند تا از دولت دوازدهم سهم بگیرند و همان‌ها اکنون بحث عدم حمایت روحانی از زنان را در رسانه‌هایشان مطرح می‌کنند. بیشتر با هدف سهم‌خواهی از دولت و وزرا. در حالی که زنانی خارج از این محدوده بدون سهم‌خواهی انتخاباتی در حمایت از روحانی سخنرانی‌ها و تلاش‌ها کردند بی‌منت، زیرا منافع ملی حکم می‌کرد که روحانی رئیس‌جمهور شود. در مرحله بعدی انتظار می‌رفت که فضای بیشتری به زنان اختصاص پیدا کند. با اینکه این اتفاق در کابینه دوازدهم برای زنان رخ نداد، اما با این حال زنان به دلیل مصالح و منافع ملی فارغ از نگاه جنسیتی به او رأی داده و تا پایان راه دولت نیز از او حمایت خواهند کرد. در چنین شرایطی بهتر آن است که از روحانی در طول دوره دوازدهم همه‌گونه حمایت شود، ولیکن زنان بسیار پرتلاش و فداکار هستند و باز هم به تلاش خود ادامه می‌دهیم تا نابوها را بشکنیم.

آیا روحانی در این دوره تصمیم گرفته است که یک خط مشی محافظه‌کارانه را در دولت دنبال کند؟

در شرایط فعلی جامعه که کشور نیازمند اتحاد و یکپارچگی در سطح داخلی است باید ظرفیت تمامی افراد توانمند فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی در کابینه استفاده شود. روحانی به دلیل حضور سالیان متمادی در جایگاه‌های تصمیم‌ساز نظام شرایط داخلی و خارجی کشور را به خوبی درک می‌کند و بر اساس آن کابینه‌ای فرا جناحی تشکیل داده است که نمی‌توان لفظ محافظه‌کاری را برای آن به کار برد.

آیا خط مشی محافظه‌کارانه با توجه به مشکلات کشور مصلحت است یا زبان؟

معتقدم که تصمیم روحانی مبنی بر رویکرد فعلی عاقلانه است. به هر روی رئیس‌جمهور باید گفت‌مانی در پیش بگیرد که هر دو طیف را مدیریت کند. زمانی که عملکرد روحانی را در دولت یازدهم مشاهده کردم نسبت به حضور روحانی به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری و انصراف عارف به نفع روحانی از رقابت انتخاباتی 92 خوشحال شدم، زیرا اگر امروز عارف به جای روحانی، رئیس‌جمهور بود کشور به دلیل نحوه مدیریت او دچار چالش می‌شد. همان‌طور که در شورای عالی نیز نسبت به ریاست عارف بر این شورا انتقادات بسیاری وجود دارد که به اعتقاد من درست است. به همین دلیل خوشحالم که عارف در انتخابات 92 به نفع روحانی انصراف داد، زیرا روحانی با قاطعیت بیشتری در برابر مشکلات کشور تصمیم می‌گیرد و در عین حال عقلانی رفتار می‌کند تا کشور را در این برهه حساس مدیریت کند.

معصومه ابتکار در شرایطی به سمت معاونت امور زنان و خانواده منصوب شد که تجربه کافی در این زمینه ندارد. با این همه، اولویت‌های معاونت زنان و خانواده چه باید باشد؟

آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران تبدیل به یک تاول جدی شده است، به ویژه زنان به شدت آسیب‌های اجتماعی از منظر امنیت اجتماعی و افزایش جمعیت کیفری صدمات بسیاری به جامعه وارد می‌کند. زنان دچار اعتیاد و پدیده کارتن‌خوابی، منجر به تولد فرزندان در جامعه می‌شوند که این کودکان نیز متأثر از همین آسیب‌ها هستند و در نتیجه جمعیت کیفری را در کشور افزایش می‌دهند. آمارها نشان می‌دهد که بررسی معضلات اجتماعی در تهران از وضعیت بهتری نسبت به شهرستان‌ها برخوردار است. با کمال تأسف در شهرستان هیچ‌چیز برای ساماندهی و حمایت از زنان وجود ندارد. بنابراین لازم است که ابتکار در مسائل زنان و سایر آسیب‌ها دقیق شود، زیرا به‌طور مثال بهزیستی خانه امن تاسیس می‌کند تا به زنان آسیب دیده پناه دهد. اما در این خانه‌های امن به روی زنان دچار اعتیاد بسته است. در حالی که

شدیدترین شیوه خشونت را این زنان تجربه می‌کنند؛ زنانی که توسط همسران و پدرشان معتاد می‌شوند و در عین حال مورد خشونت روحی، روانی و جسمی قرار می‌گیرند. در صورتی که اگر خانه‌های امن به این زنان پناه ندهد قطعاً شرایط بدتری پیدا خواهند کرد. اگر ابتکار نسبت به مسائل زنان و کودکان اشراف و اطلاع کافی نداشته باشد، این مسائل همچنان تبدیل به یک معضل حل نشده باقی خواهد ماند. وضعیت خانه امن نشان می‌دهد که این خانه‌ها برای زنان خشونت دیده سالم است و نه برای زنان خشونت دیده معتاد. به همین دلیل ابتکار باید از مشاوره‌ها و تجربه‌های فعالان مدنی و اجتماعی بهره برد تا دانش خود را در این حوزه به‌روز کند. به هر رو تاکنون اظهار نظری از ابتکار درباره مسائل زنان و آسیب‌های اجتماعی شنیده نشده است. این امر بدیهی است، زیرا تخصص و تجربه او بیشتر در زمینه مسائل محیط زیست است. لذا بدون تردید ابتکار چند ماهی نیاز به زمان دارد تا به مسائل مربوط به زنان، کودکان و آسیب‌های اجتماعی مسلط شود. به همین دلیل پیشنهاد این است که ابتکار از تجربه‌ها و مشاوره‌های مولوردی بهره لازم را ببرد. مولوردی 4 سال در زمینه مسائل زنان، کودکان و آسیب‌های اجتماعی کار کرده است و فرد با انعطاف‌پذیری و تواضع بالایی است و به سهولت می‌تواند تجربه‌های خود را به او منتقل کند.

بانوان کابینه دوازدهم چگونه می‌توانند زمینه را برای به کار گرفته شدن وزرای زن در دولت سیزدهم فراهم کنند؟

بانوان کابینه دوازدهم باید کارنامه مطلوبی از خود ارائه دهند. امروز تقریباً دو سال از آغاز کار مجلس دهم گذشته است، اما بانوان مجلس دهم تاکنون عملکرد درخشانی نسبت به مطالبات زنان و آسیب‌های موجود در این حوزه نداشته‌اند. به همین دلیل به آنها نمی‌توان نمره خیلی بالایی داد، در حالی که جامعه به زنان فراکسیون امید فرصت حضور در مجلس را داده است، حال که چنین فرصتی به زنان داده شده است باید فراکسیون زنان پس از دو سال کارنامه قابل توجهی به جامعه ارائه دهد. در حالی که این اتفاق تا به امروز از سوی فراکسیون زنان رخ نداده است و کارنامه‌ای که ارائه شده، کارنامه ضعیفی است. مولوردی کارنامه قابل دفاعی دارد، زیرا با بیان برخی از موضوعات مربوط به آسیب‌های زنان تابوشکنی کرد. کاملاً قابل درک است که مولوردی تا چه اندازه تحت فشار روحی و روانی در دولت یازدهم قرار گرفت اما با همه توان در برابر فشارها ایستاد، به همین دلیل باید گفت او کارنامه قابل قبولی در دولت دارد. سایر زنان هم باید کارنامه موفقی از خود در مجلس و دولت ارائه دهند. در ضمن حضور سیاسی و حضور در احزاب برای زنان نباید تنها ملاک توانمندی باشد. گاهی تعابیری از برخی شنیده می‌شود که مناسب نیست. اینکه قبلاً دچار محدودیت‌هایی بوده‌اند و اکنون به خاطر همان محدودیت‌ها باید حتماً در دایره قدرت باشند نه معقول است و نه شدنی. تعابیری از جمله «برخورداری سهم از سفره انقلاب» یا «ژن خوب» و مطالب مشابه در همین راستا قرار می‌گیرد. اگر اصلاحات هم دچار روبه غلطی شود باز متخصصان کنار می‌مانند و کشور به دست غیر متخصصان اداره می‌شود که نتیجه آن انباشتگی مشکلاتی می‌شود که باید یک روز به دست متخصصان حل شود و نه سهم خواهان.

آیا در مجموع می‌توان امیدوار بود که تغییرات کلان به ویژه در اقتصاد رخ دهد؟

تغییرات در ایران روند تدریجی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که طی این چهار سال با توجه به وزرای جدید تحول چندانی در حوزه اقتصادی رخ ندهد. اگرچه شریعتمداری وزیر توانمندی است اما باز هم بعید به نظر می‌رسد که اتفاق مهم و بزرگی در اقتصاد ایران رخ دهد. به‌طور کل جهشی در اقتصاد نخواهیم داشت.

وضعیت بخش خصوصی در دولت دوم روحانی چه خواهد شد؟

در صورتی که تحول چشمگیری در اقتصاد رخ ندهد بخش خصوصی نیز رشد نخواهد کرد. بخش خصوصی طی سیاست‌های غلط اخیر دولت‌ها، کوچک و ضعیف‌تر شده است و این ضعف همچنان ادامه دارد. بخش خصوصی نخست به دلیل رکورد ناشی از تحریم سال‌های گذشته و سپس به دلیل فشارهای مضاعف

---

دستگاه‌های دولتی به این بخش، روزه‌روز ضعیف‌تر می‌شود، زیرا این بخش در شرایط رکود فعلی رونقی نیز ندارد. در چنین وضعیتی این واحدها باید مدام پاسخگوی وزارت دارایی و تامین اجتماعی باشند و با وضع قوانین سختگیرانه‌تر اعمال سیاست انقباضی آن هم در شرایطی که در کشور همچنان رکود وجود دارد، عرصه بر بخش خصوصی تنگ و تنگ‌تر خواهد شد. از این رو در دولت دوازدهم با توجه به رویکرد پیش رو نمی‌توان روزگار مطلوبی برای بخش خصوصی متصور شد. شرایط جامعه ما نیز متأسفانه به دلیل حضور جریان‌های مختلف سیاسی، راه چاره‌ای دیگر غیر از این پیش پای روحانی نمی‌گذارد. به عبارتی سیاست‌زدگی مانع پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی می‌شود.

فعالان سیاسی و کارآفرینان چگونه می‌توانند به دولت کمک کنند؟

امروز بسیاری از واحدهای تولیدی تعطیل شده‌اند و تعدادی از کارآفرینان، واحدهای تولیدی فعلی را با سختی فراوان سراپا نگاه داشته‌اند. در خوشبینانه‌ترین حالت هزینه‌های خود را با درآمدها یکی می‌کنند. در واقع تجارت در ایران رونق نداشته و مراودات بانکی آن طور که باید شکل نگرفته است. در ضمن این را هم بگویم که اگر هر انسان عاقلی به جای روحانی بود، ناگزیر به طی کردن مسیر برجام می‌شد. ضمن اینکه لغو برجام شرایط را قطعاً دوباره دشوار خواهد کرد. بنابراین ما کارآفرینان انتظار داریم که روحانی با گرفتن مشاوره از فعالان اقتصادی بخش خصوصی انعطاف خود را نسبت به این بخش افزایش داده و قوانین داخلی را برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی سهل‌تر کند تا در نتیجه شاهد رونق اقتصادی در داخل باشیم.

انتظارات زنان در کابینه محقق نشد. آیا ممکن است که نجفی شهردار منتخب تهران در برخی از مناطق 22 گانه شهردار زن منصوب کند؟

با شناختی که از نجفی دارم این احتمال وجود دارد که در برخی از مناطق 22 گانه شهردار زن داشته باشیم. به طور کل زنان در سطح مدیریت میانی آماده مسئولیت هستند، به همین دلیل توصیه‌ام این است که نجفی از ظرفیت زنان در مناطق 22 گانه در جایگاه شهردار بهره‌بردار.

اگر از شما دعوت شود تا در شهرداری پست اجرایی بگیری قبول می‌کنید؟

خیر، ولی تجاریم را در حوزه اجتماعی در اختیار آقای شهردار خواهم گذاشت. البته پیش‌تر جلساتی با ایشان داشتم که وی را فردی دقیق و جدی در حل بحران‌های اجتماعی شهر تهران دیدم و معتقدم با تعاملی که ایشان با دولت دارند می‌توانند تأثیرات پایداری در این حوزه‌های مغفول مانده داشته باشند.